

سازمان برنامه- تاسیس ۱۹۲۷- به اسامی مختلف و با وظایف مختلف در طول سالیان دراز برنامه‌های ۷ ساله اولیه و سپس پنج ساله بعدی- مدیران متعدد بعضی کارآمد و بعضی ناکارآمد- داشته. اسناد مختلفی برای توسعه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت داشته به بعضی‌ها عمل شده و بعضی از آنها به بوته فراموشی سپرده شده است. یکی از این اسناد که توجه مرا جلب کرده با موضوع آمایش سرزمین است. مطالعات مربوط به آن به سال ۱۳۵۱ بی می‌گردد (۵۰ سال پیش). آنچه من در اختیار دارم تاریخ نشر ۱۳۵۳ را دارد (۵۸ سال پیش)

به یاد بیاوریم در فاصله سال‌های ۱۳۵۰-۱۳۵۳ درآمد سالیانه ایران از نفت و گاز شش برابر شد و حکومت و دولت وقت نیز هم‌زمان با این افزایش درآمد برنامه‌های سال‌های دهه ۴۰ را با بودجه‌های آن زمان تدوین و تنظیم شده به طور جاه‌طلبانه‌ای تجدیدنظر کرد و آنهایی که سن و سال بالا دارند بیاد می‌آورند عبارت رسیدن به تمدن بزرگ و کشور درجه یک منطقه بودن زبان‌ها بود.

و نیز به یاد بیاوریم که در ۵۰ سال پیش نه اینترنت، و نه زاده‌های بعدی آن موبایل، هوش مصنوعی، تکنولوژی‌های مبتنی بر آنها، داده‌های بزرگ و اینترنت اشیاء، غیره وجود داشت نه علوم و پژوهش‌های غضائی و فرازمینی مانند ماهواره‌ها و مانده‌های آن وجود داشت، نه کسی متوجه تغییر اقلیم شده بود و علت آن را می‌دانست و برای جلوگیری از فساد محیط زیست نسخه می‌پیچید.

در چنین زمانی گزارش آمایش سرزمین سال ۱۳۵۳، به یک نکته بسیار کلیدی و سرنوشت‌ساز سرزمین ایران توجه می‌کند که:

- ۱- ایران سرزمینی خشک و کم‌باران، و عمدتاً گرم‌سیری است
- ۲- آب‌های ایران در سواحل خلیج فارس و تالاب‌های حوالی آن است
- ۳- منابع نفت و گاز انحصاراً در سرزمین‌های جنوبی کشور است
- ۴- بندرهای تجاری و راه‌های ترانزیتی کشور در سواحل خلیج فارس است
- ۵- بخشی از آب‌های کشور نیز در سواحل مازندران و گیلان و مازندران

لازم است صنایع سنگین و آب‌بر با هر معیاری مدنظر باشد باید در سواحل جنوب متمرکز شود. تربیت نیروی متخصص و ماهر در هر سطح بالا و متوسط و سطح کارگری ساده باید برای کار و زیستن در سواحل جنوب تربیت شود، همراه با این تمهیدات خدمات تجاری و صنایع کوچک نیز در سواحل جنوب توسعه یابد. به‌طوری‌که در یک بازه زمانی ۲۵ سال از ۱۳۵۳ تا ۱۳۷۸، ۲۵ میلیون از جمعیت کشور در سواحل جنوب باشند و در بازه ۲۵ ساله بعدی یعنی همین ۱۴۰۰، این جمعیت به ۵۰ میلیون برسد. ولی همه این آینده‌نگری‌ها و توصیه‌ها با انقلاب شکوهمند ۱۳۵۷ اولویت‌شان را از دست می‌دهند. در چهار دهه اخیر به این‌که اقلیم تغییر می‌کند و گرم می‌شود اقلماً بعضی از اقشار جامعه اذعان کرده‌ایم، شاهد کم شدن بارش‌ها و آماده نبودن برای رویارویی با تبعات آن بوده‌ایم. این‌که صنایع سنگین آهن و فولاد و ماشین‌سازی‌ها را در شهرهای مرکزی احداث کرده‌ایم.

این که سیاست‌های متمرکز ساختن همه تصمیم‌گیری‌ها در پایتخت را دنبال کرده‌ایم عمدتاً از قِبَل همین سیاست کشاورزی سنتی اهمیت خود را از دست داده و روستائی مولد به حاشیه‌نشین در شهرهای بزرگ قناعت کرده است،

آمار دقیق در اختیار ندارم ولی گمان می‌کنم در حال حاضر جمعیت کشور از سواحل بوشهر تا چاه‌بهار و سراوان چند میلیون نفر نباشد. صنایع بزرگی به جز مجتمع پتروشیمی عسلویه نمی‌شود. به‌ویژه به اهمیت استحصال آب از آب دریا و هوای گرم و مرطوب جنوب اشراف لازم نداریم. و بسیار چیزهای دیگر

هنوز دیر نیست. می‌توان از حکومت‌داری متمرکز کشور دست برداشت. می‌توان حاشیه‌نشین‌های شهرهای بزرگ به نیروی مولد در سواحل جنوب تبدیل کرد.

می‌توان از آب شور دریا و هوای شرجی جنوب آب آشامیدنی، صنعتی و حتی کشاورزی استحصال کرد.

می‌توان ابتکار داشت و خیلی کارها کرد.